

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ اردیبهشت ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و شکر و سپاس و ستایش درخور و زیننده‌ی پروردگار حکیم و کریم و مهربان است که از سر لطف آنگاه که اراده فرمود تا جان جدا شده از بارگاه پر عظمتش در مکانی غریب ادامه حیات دهد، دو فرشته به نام‌های عتید و رقیب را همدم او ساخت تا همواره بوی عطر جایگاهش را به مشامش برسانند و او را در این دیار غربت با ریسمان اتصال به مکان اولیه‌اش مدد کنند، پس آفرین بر شانه‌ای که این اتصال را بزرگ‌ترین غنیمت جانش بداند و همواره بر آن تکیه کند تا غربتش با شیرینی حضور آنان به وصلی مبارک بدل گردد و فرشته‌ی عتید حضور خود را بر شانه‌ی آدمی این‌گونه اعلام نمود که: اینک ما مهمان جان آدمیان شدیم تا بر فراز جانشان که میعادگاه دعوت پروردگاران است قرار یابیم، من بر آنچه به آن مأمور شده‌ام سر تسلیم فرود آورده‌ام و هرگاه جز او را بخوانی بر دو گوشت آن‌چنان می‌کوبم که طنین صدایش در عرش شنیده می‌شود و آنگاه که پروردگار را می‌خوانی تو را به نوای جانم می‌نوازم تا عرشیان به تماشای جانی بشتابند که در ستایش خویش بر همگان پیشی گرفته است.

چه شیرین است این روایت از زبان مبارک سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهرا (س) که راز غیبی را فاش فرمودند که همواره هم‌جوار آدمی است ولی متأسفانه ندیدن ظاهری آن باعث غفلت شده درحالی‌که همه‌ی رفتار و گفتار ما دقیقاً مورد ثبت و بررسی قرار می‌گیرد. باور این موضوع در عصر حاضر کم‌رنگ شده اما باید یقین داشت خداوند عالم انسان را در بزرگی و عزتش خلق فرمود و او را خلیفه‌ی خود نامید و همه‌ی خلقت را به اطاعتش واداشت و به حال خود رها نکرد بلکه همه‌ی آفرینش را به تماشای عملکرد او دعوت کرد و مأمورشان کرد تا در خدمت او باشند.

برای درک این موضوع بهره می‌گیریم بار دیگر از فرمایشات سرور عالمیان که فرمودند: برکات عالم آنگاه که ندایش دادند جان خویش را بگشا تا پیچیدگی‌ات را معنا کنی به

سخن درآمد و با زبانی شیوا اظهار داشت: پروردگارم، دل خشکیده و سردم را به امرت آنگاه که فرمودی پیش بیا تا دامت را به زیورهای بیارایم که درخشش نامت را آشکار سازد و من دست نیازم را گشودم و جان ضعیفم را بر خوان رحمت نشاندم، رشته‌ی محبت را زیور جان پر اسرارم کردم تا پویندگان به دنبال کشفش آن را بشکافند و ناله‌ی جان عاشقم را در عرش آسمان و زمین در جانشان ذخیره کنند، سپس به آغوشم بشتابند تا راز دلدادگی‌ام را به گوش جانشان بشنوند که این‌گونه سخن آغاز کنم: ای خلیفه‌ام، سر اطاعت بر آستان پر مهت نهادم و آغوشم را به رؤیت گشودم، تو را همدم ساعت‌های عمرم خواندم تا آنگاه که پروردگارم مرا بخواند که آنچه در دل نهان کرده‌ای بیرون آر و من به شتاب تو را ترک گویم.

بله حقاً خلیفگانی به عالم قدم گذاشتند و در جایگاه عزتشان چنان وجود مقدسشان را در قالب بندگی و بزرگی به نمایش گذاشتند که همه‌ی آفرینش را به تحسین و ستایش وادار کردند که این شب‌ها مصادف است با عروج ملکوتی یکی از این خلیفگان الهی، ایشان هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت، صاحب علم دیانت، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین، امام شایسته عابد و زاهد مولای شیعیان موسی بن جعفر (ع) هستند که برکات و رحمت خداوند بر ایشان باد که با تحمل رنج و سختی‌های زیاد یکی از تدابیر در روش مبارزه با باطل را در تاریخ به ثبت رساندند و هم چون جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) با مناجات‌های زیبا و هدایت‌گرشان سخت‌ترین دل‌ها را و فاسدترین انسان‌ها را چنان منقلب فرمودند که باعث وحشت هارون الرشید عباسی لعنت الله شد که فکر می‌کرد با نگهداری ایشان در سیاه‌چال زندان خود توانسته است انوار امامت و نعمت ولایت را محبوس نموده و دیگران را از این رحمت خداوندی محروم و خود را از ضربات کوبنده‌ای که بر پیکر افکار و سلطنت باطلش می‌زند مصون نماید؛ چون امام موسی کاظم (ع) هم چون پدران پاک و نیاکان طاهرینش بر آزارها شکبیا بود و آنچه از جانب خدا به عهده داشت به‌خوبی انجام داد؛ برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و عالم و عادل و صادق بود؛ با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کرد و عاقبت شهید شد و به اعتراف زندانبانان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده بودند ایشان مخوف‌ترین

محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبای خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرموده بودند. پس وای بر احوال دشمنان و بدخواهان اهل‌بیتِ پیامبر گرامی اسلام و خصوصاً دشمنان و بدخواهان امامان بر حق که چه عذاب و آتشی از قهر پروردگار کریم را برای خود و پیروانشان خریدند که در این مورد امیر مؤمنان چه زیبا فرمودند که: اگر آسمان‌ها و زمین به روی یکی از بندگان خدا تنگ بشود ولی آن بنده راه تقوی را پیش گیرد و به خداوند توکل داشته باشد خداوند راه گشایش را به روی او باز می‌کند، اگر هیچ مونس و محرمی جز حق برای خود نپذیرد و از هیچ چیز به اندازه‌ی باطل وحشت نداشته باشد، اگر از دنیایی که این‌همه مورد علاقه‌ی مردم است اندکی به خود اختصاص می‌دادی و آن‌ها می‌دیدند که تو به آن پایبند هستی از دشمنی آنان مصونیت داشتی.

اینک در این شب شهادت امام موسی کاظم (ع) ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام و مولایمان ابی‌صالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم: ما دل‌سوختگان از غم شهادت پدرانمان منتظر دولت حقه‌ی شما هستیم تا در آن دولت رجعتشان را در بهار عدالت ببینیم تا مرهمی باشد بر جگر سوخته‌ی ما، پس سلام بر لحظه‌ای که فرمان الهی بر منتظرین حق ابلاغ می‌گردد و فضای سخت و ظلمانی زمین به انوار دولت ظهور مزین می‌گردد و خاک‌های مطهر تکان می‌خورد و نفس‌های زکیه بیدار می‌گردد تا بهار عدالت را فرمان‌بری کند، پس برای تحقق این وعده همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج